

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی دلیل دوم نافین بر عدم حجیت خبر واحد (استدلال به روایات)

بحث در ادله نافین حجیت خبر واحد است. دلیل اولشان که استدلال به آیات شریفه بود، مورد بحث واقع شد؛ و ملاحظه فرمودید که این آیات اثبات نمی‌کند خبر واحد موثق حجیت ندارد. دلیل دوم نافین بر نفی حجیت خبر واحد، استدلال به پاره‌ای از روایات است. روایاتی که از عمل به خبر مخالف با کتاب و سنت نهی می‌کنند؛ روایاتی که نهی می‌کنند از عمل به خبری که نمی‌دانیم از امام معصوم (ع) صادر شده است یا صادر نشده است؛ روایاتی که دلالت دارند بر لزوم ردّ ما لا یعلم إلیهم. هم‌چنین روایاتی داریم که دلالت می‌کنند هر خبری که برای آن شاهد یا شاهدین از کتاب و سنت نباشد، مورد قبول نیست. عنوان چهارم از این روایات، روایاتی است که می‌گویند روایت یا خبری که موافق با قرآن نیست، اعتبار ندارد. عنوان پنجم بیان می‌کند روایتی که لا یصدق کتاب الله فهو باطل. عنوان دیگر این است که خبر مخالف با قرآن زخرف است.

این‌ها عناوین متعددی هستند که مرحوم صاحب وسائل (قدس سره) در کتاب القضاء وسائل الشیعة در جلد 27 از چاپ‌های جدید در ابواب صفات قاضی، باب 9، حدود 48 روایت را آورده است. عنوان باب هم این است: «باب کیفیة الجمع بین الأخبار المختلفة» یا «بین الأحادیث المختلفة». در این باب، احادیث 5، 11، 12، 14 و 18، احادیث متعددی وجود دارد که نافین حجیت خبر واحد به آن‌ها استدلال می‌کنند. می‌گویند: ما حدیث داریم که می‌گوید روایت به خودی خود معتبر نیست و باید یک شاهی از قرآن داشته باشد، باید موافق با قرآن باشد، باید مخالف نباشد؛ همه‌ی این‌ها دلیل است که حدیث به خودی خود حجیت ندارد.

اینان بیشتر بر روی روایت داود بن فرقد تکیه می‌کنند که در آن آمده است: ما علمتم أنّه قولنا فالزموه آن را که می‌دانید قول ماست، ملزم هستید که به آن عمل کنید و ما لم تعلموا فردّوه إلینا و آن را که نمی‌دانید به ما رد کنید. قسمت اول این روایت بیان می‌کند که خبر از امام معصوم (ع) به خودی خود اعتباری ندارد، بلکه اگر علم پیدا کردید که امام (ع) فرموده است، ملزم هستید به آن عمل کنید و اگر علم پیدا نکردید، نباید عمل کنید و به ما ردّش کنید. پس ملاک در اعتبار یک خبر این است که علم پیدا کنیم از امام معصوم (ع) است؛ در حالی که بسیاری از اخبار موجود برای ما علم‌آور نیست. این استدلال و دلیل دوم کسانی است که حجیت خبر واحد را نفی می‌کنند. ببینیم که جواب از این دلیل چیست؟

پاسخ مرحوم آخوند از دلیل دوم نافی

مرحوم آخوند در کفایه از این دلیل دو جواب داده‌اند. جواب اول این است که استدلال به این روایات دوری است؛ و این جواب در کلمات شیخ اعظم انصاری نیز وجود دارد. به این بیان که شما برای عدم حجیت خبر واحد به روایاتی استدلال کردید که خود این روایات خبر واحد است. به عبارت دیگر، استدلال به این روایات متوقف است بر اینکه خبر واحد حجیت داشته باشد؛ و اگر خبر واحد بخواهد حجیت داشته باشد، باید این روایات حجیت نداشته باشد و معتبر نباشد. و این دور است؛ پس حجیت این روایات متوقف است بر حجیت خبر واحد - یعنی چون این روایات خبر واحد است، اگر خبر واحد حجت شد این روایات هم حجت است - و حجیت خبر واحد متوقف است بر عدم حجیت این روایات؛ یعنی **یلزم من وجوده عدمه**. در دور، فقط توقف **الشیء علی نفسه** نیست، بلکه موردی که **یلزم من وجوده عدمه** نیز دور است. شما اگر توقف **الشیء علی نفسه** را خوب تحلیل کنید، به **یلزم من وجوده عدمه** باز می‌گردد.

یک چیزی توقف بر خودش پیدا بکند، معنایش این است که قبل از اینکه باشد، نبوده؛ و وجود این بر عدمش توقف دارد و عدمش بر وجودش. بنابراین، باز در مسئله دور به مسئله اجماع نقیضین برمی‌گردیم. این اشکال اول. جواب دوم: اشکال دوم مرحوم آخوند این است که اگر کسی بگوید این روایات اخبار آحاد نیست و بلکه تواتر اجمالی دارد؛ یعنی عنوان خبر متواتر را دارد که در خبر متواتر، ما علم داریم و مسئله خبر واحد و ظن نیست. توضیح کلام مرحوم آخوند این است که ایشان می‌فرمایند: ما یک تواتر لفظی داریم که عین الفاظ یک روایت متواتراً صادر شده باشد؛ مثلاً بگوییم «**إنما الأعمال بالنیات**» تواتر لفظی دارد، یعنی ده نفر، بیست نفر، یا سی نفر عین همین الفاظ را برای ما نقل کرده‌اند. اما تواتر معنوی جایی است که روایات متعدد در یک مضمون واحدی به دلالت مطابقی یا دلالت تضمنی اشتراک دارند. یعنی می‌دانیم همه روایات صادر شده است، اما الفاظشان عین هم نیستند و بلکه مضامینشان به دلالت مطابقی یا دلالت تضمنی باهم اشتراک دارند.

اما تواتر اجمالی که از ابداعات مرحوم آخوند است، این است که نه عین الفاظ را داریم و نه اینکه علم به صدور همه‌ی این روایات داریم و در مضمون مشترک باشند؛ در تواتر اجمالی، علم به به صدور بعضی این روایات داریم؛ بیست یا سی روایت آمده است، که اگر سند همه اینها ضعیف باشد، ممکن است علم اجمالی پیدا کنیم که یکی از اینها صادر شده است؛ اجمالاً یکی از اینها صادر شده است؛ اما این که کدام است، نمی‌دانیم؛ حال، مرحوم آخوند در جواب دوم می‌فرمایند: اگر نافیین بگویند این روایات اخبار آحاد نیست و تواتر اجمالی دارند، به آن‌ها می‌گوییم که قاعده در تواتر اجمالی این است که بایستی به اخص مضموناً عمل کنیم؛ و به عبارت دیگر، باید به متیقن مضمونی از این روایات عمل شود؛ و این عنوانی است که تمام این روایات بر آن اتفاق دارد. ایشان می‌فرمایند: اخص مضموناً این روایات، خبر مخالف با قرآن و سنت باهم است. یعنی این روایات می‌گوید اگر خبری هم مخالف قرآن بود و هم مخالف سنت، این خبر به درد نمی‌خورد. و این را مثبتین نیز قبول دارند؛ آن‌ها نیز می‌گویند که نباید بر طبق خبر مخالف قرآن و سنت عمل شود. مرحوم آخوند ترقی کرده و می‌فرمایند: **لا محیص عنها فی مقام المعارضة أصلاً**؛ در جایی که دو خبر باهم معارضه کردند و دیدیم یکی از آن‌ها مخالف قرآن و سنت است، آن را کنار گذاشته و خبر دیگر را می‌گیریم. در مقام تعارض، مسلماً خبر مخالف قرآن و سنت حجیت ندارد. این هم جواب دومی که مرحوم آخوند داده‌اند.

در اینجا مرحوم محقق نائینی در صفحات 162 تا 164 از جلد 3 فوائد الاصول مجموعاً چهار جواب از این روایات داده است؛ مرحوم آقای خوئی (قدس سره) نیز در صفحه 149 از جلد 2 مصباح الاصول نیز به نظر ما این چهار جواب را دسته بندی کرده و منظمأً به یک بیان دیگری همان جواب‌های مرحوم نائینی را ذکر کرده است. اما کسی که بیش‌تر از همه حرف دارد، مرحوم بروجردی در حاشیه کفایه‌است. من سال‌های گذشته نیز عرض کرده‌ام که یکی از کسانی که واقعاً مبانی محکم در اصول و فقه دارد، مرحوم آقای بروجردی است. مرحوم امام یک دوره در درس اصول مرحوم بروجردی شرکت کردند و تقریرات درس ایشان را نوشته‌اند که در یک جلد چاپ شده است؛ کتاب دیگری هم به اسم نه‌ایة الاصول است که یکی از تلامیذه

ایشان نوشته و یک دوره‌ی اصول ایشان است. اما این کتاب‌ها غیر از حاشیه بر کفایه است که در دو جلد چاپ شده است. ایشان در جلد 2 این کتاب در صفحات 102 تا 104 این بحث را مطرح کرده‌اند. آقایان این منبع را امشب ببینند و قبل از آن روایات جلد 27 و سائل‌باب 9 از ابواب صفات قاضی را ملاحظه کنید که تا کسی این روایات را نبیند، نمی‌تواند به صحّت و سقم این جواب‌ها برسد. ان شاء الله فردا بحث را دنبال می‌کنیم.